

تعریف انقلابی بودن در فرمایشات امام (ره)

فیش‌های اطلاعاتی زیر از طریق جستجوی چند کلیدواژه مانند: «روحیه انقلابی»، «انقلابی بودن»، «انقلابی ماندن» و «انقلابیگری» در نرم‌افزار صحیفه نور استخراج شده است. با توجه به تعداد کم کلیدواژه‌ها، نمی‌توان گفت تمام آنچه در موضوع «انقلابی بودن» مورد نیاز است، به دست آمده. بلکه در فرصت‌های وسیع‌تر، با استفاده از کلیدواژه‌های بیشتر و مترادفات، این امکان وجود داد که مطالب مرتبط بیشتری بتوان استخراج نمود. لکن در زماننا هذا، با توجه به سرعتی که مدّ نظر بوده، این فیش‌ها می‌تواند کافی به نظر برسد، تا ما را با نظرات حضرت امام راحل (ره) درباره شاخص‌های انقلابی بودن آشنا نماید.

فهرست عناوین

۱. تعریف انقلابی بودن
 - ۱/۱. «روحیه انقلابی» مساوی با روحیه ایثار، فداکاری و شهادت‌طلبی
 - ۲/۱. افزایش مسئولیت طبقه روحانی نسبت به پیش از انقلاب، با توجه به ضرورت حفظ مکتب
 - ۳/۱. غیرقابل تحمل بودن ظلم و صدور کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی به اسم انقلاب و انقلابی بودن
 - ۴/۱. «انقلابی بودن» روحانیون به معنای رها کردن راحتی نشستن در حوزه و مشغول شدن به کارهای حکومت اسلامی
 - ۵/۱. نداشتن عذر موجه طلاب در صورت پذیرفتن مسئولیت‌های حکومت اسلامی به بهانه درس و بحث
 - ۶/۱. ضرورت پرداختن علم فقه به نیازهای عملی مردم به احکام جدید، به مناسبت انقلاب اسلامی
 - ۷/۱. ضرورت باز بودن همیشگی باب اجتهاد در حکومت اسلامی
 - ۸/۱. مجتهد در مسائل اجتماعی و حکومتی نبودن افراد فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری در زمینه اجتماعی و سیاسی
 - ۹/۱. تهدید بودن اختلاف و موضع‌گیری‌های زیربنایی و اصولی برای انقلاب
 - ۱۰/۱. همراهی درس حوزه با زهد، تقوا و ریاضت و زندگی روحانیون به شیوه زاهدانه، قناعت و عدم تعلق به تجملات دنیا
 - ۱۱/۱. زنده، پایدار و محبوب ماندن روحانیت به دلیل عدم وابستگی به قدرت‌ها و احساس مسئولیت در برابر توده‌ها
 - ۱۲/۱. ورود بی‌تفاوت‌ها و بی‌دردها به صحنه انقلاب، در صورت از بین بردن اعتبار مسئولین نظام
 - ۱۳/۱. هشدار به طلاب برای نیافتادن به دام القائات روحانی‌نماها و مقدّس‌مآب‌ها
 - ۱۴/۱. تجربه گرفتن از سابقه روی کار آمدن انقلابی‌نماها و فراموش نکردن تاریخ خیانت آنان
 - ۱۵/۱. جلوگیری از تجزیه روحانیت انقلابی و اختلاف‌افکنی‌ها میان روحانیون
 - ۱۶/۱. بازگشت اختلافات به تفاوت سلیقه‌ها و عدم وجود اختلاف بر سر اصول مدرسین و طلاب انقلابی

- ۱۷/۱. حاکم شدن روحانی نماهای تقویّت شده تا حدّ مرجعیّت توسط ایادی استکبار، در صورت اختلاف مدرّسین و طلاب
- ۱۸/۱. آسیب پذیر بودن طلاب انقلابی و مدرّسین طرفدار انقلاب، در صورت هماهنگ نبودن با هم در فعالیت های انقلابی
- ۱۹/۱. ضرورت یاری اساتید انقلابی حوزه توسط طلاب جوان، برای دستیابی به اهداف مهم تعلیم و تربیت
۲. راهکارهای انقلابی نگهداشتن حوزه
- ۱/۲. طرح آزادانه نظرات اجتهادی و فقهی در زمینه های مختلف ولو مخالف با یکدیگر؛ اقتضای طبیعت انقلاب
- ۲/۲. کافی نبودن اجتهاد مصطلح در حوزه ها، به دلیل نیاز نظام اسلامی به وحدت رویّه و عمل در برنامه ریزی به نفع مسلمانان
- ۳/۲. توجه به حفظ اصول اسلام و حفظ کینه انقلابی علیه سرمایه داری غرب، در هنگام موضع گیری
- ۴/۲. برحذر بودن و به خدا پناه بردن از شرّ حبّ نفس در هنگام موضع گیری های سیاسی
- ۵/۲. ترویج تقوا و ریاضت شرعی؛ تنها راه مبارزه با حبّ نفس
- ۶/۲. زیر بار سرمایه داران، پول پرستان و خوانین نرفتن روحانیت اصیل طرفدار اسلام
- ۷/۲. پرهیز از ساده اندیشی در این که استعمار، روحانیت را تعقیب نکرده و نمی کند
- ۸/۲. مراقبت نسبت به خطر روحانیون وابسته، مقدّس نما و تحجّرگرا در حوزه های علمیه، به عنوان مروج اسلام آمریکایی
- ۹/۲. القای شعار جدایی دین از سیاست؛ حربه استکبار برای ضربه زدن به روحانیت
- ۱۰/۲. تغییر فرهنگ «ارزش بودن حماقت روحانی» در معاشرت با مردم و «ضد ارزش بودن روحانی سیاسی»
- ۱۱/۲. توجه به سابقه پشتیبانی دسته ای از روحانیون مقدّس مآب و دین فروش از براندازی نظام و کودتا
- ۱۲/۲. توجه به سابقه تهمت وهابی زدن دسته از روحانیون مقدّس مآب به روحانیون مبارز و زندان و تبعید کشیده
- ۱۳/۲. توجه به خطر انقلابی تر از انقلابیون شدن روحانیون «حجّتیّه ای»، در متهم کردن مسئولین نظام
- ۱۴/۲. حفظ اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیون انقلابی؛ اولین وظیفه شرعی و الهی
- ۱۵/۲. توجه به خطر باز شدن راه دشمن به حوزه ها، در صورت مرزبندی میان نیروهای مؤمن به انقلاب
- ۱۶/۲. از خود دانستن طلاب انقلابی توسط جامعه مدرّسین و برگزاری جلسه با آنها و استقبال از طرح ها و نظریات ایشان
- ۱۷/۲. احترام گذاشتن به مدرّسین طرفدار انقلاب از سوی طلاب انقلابی
- ۱۸/۲. پرهیز از حرکت تند و انقلابی در حوزه ها و تلاش برای شناخت بهتر خطرات و کمینگاه های روحانیت
- ۱۹/۲. توجه شورای مدیریت و اساتید حوزه به نقش طلاب انقلابی در رساندن حوزه به اهداف آن



فیش‌های جمع‌آوری شده

«روحیه انقلابی» مساوی با روحیه ایثار، فداکاری و شهادت‌طلبی

افزایش مسئولیت طبقه روحانی نسبت به پیش از انقلاب، با توجه به ضرورت حفظ مکتب

و از جهت تحولات روحی که در ملت پیدا شده است هم یک نمونه است. به نظر من این تحول روحی که در جامعه ما - بحمد الله - پیدا شده است، و رو به رشد است و امیدوارم که کمک کنیم هر که به رشد خودش برسد، اهمیت این تحول روحی بیشتر از اهمیت این پیروزی است. این یک پیروزی معنوی است. اهمیت پیروزی معنوی بیشتر از پیروزی نظامی و مادی است و این معنا حاصل شده است. ما الآن مشاهدیمان هست که جوانهای ما - چه جوانهای نیروی انتظامی و چه جوانهای معمولی و پاسدارها و حتی بازاریها - مکرر می‌آیند پیش من، حتی امروز، و آرزو می‌کنند، به من می‌گویند شما دعا کنید ما شهید بشویم. این روحیه، این **روحیه انقلابی**، که در نفوس پیدا شده است، این شکست مکتب مصیبت بزرگ است. امروز مسئولیت **طبقه روحانی**، مسئولیت پاسدارهای اسلام، مسئولیت حکومت اسلامی رئیس الوزرای اسلام، نخست وزیر اسلام، مسئولیت امروز مثل سابق نیست. امروز مسئولیت زیاد است. مسئولیت این است که اگر یک کاری ما بکنیم، روحانی خدای نخواستہ یک کاری بکند، در کمیتها یک کاری بشود، در دادگاههای انقلابی یک کار خلافی بشود، پاسدارهای انقلاب یک کاری بکنند، مردم یک کاری بکنند، بازار یک بازار غیر اسلامی باشد، آنهایی که برای مناقشه نشسته‌اند و چشمهایشان را دوخته‌اند به ما، آنها برای ما یک کاری می‌کنند که اصل مکتب ما شکست بخورد؛ یعنی تا ابد اسلام دفن بشود. مصیبت این است. و آلا مصیبت کشته شدن که مصیبتی نیست؛ خوب، جوانهای ما کشته شدند، در راه اسلام کشته شدند، شهید شدند، هَنِيئاً لَهُمْ. «۱» اما کشته شدن و دفن شدن مکتب اهمیت دارد. این را حفظش کنید.

۱۳۵۸/۶/۱۱

غیرقابل تحمل بودن ظلم و صدور کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی به اسم انقلاب و انقلابی بودن

باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و **انقلابی بودن** خدای نخواستہ به کسی ظلم شود، و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود.

۱۳۶۱/۹/۲۴

«انقلابی بودن» روحانیون به معنای رها کردن راحتی نشستن در حوزه و مشغول شدن به کارهای حکومت اسلامی

نکته آخری که توجه به آن لازم است اینکه روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه نشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به **کارهای حکومت اسلامی** شده‌اند.

نداشتن عذر موجه طلاب در صورت نپذیرفتن مسئولیت‌های حکومت اسلامی به بهانه درس و بحث

اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه

خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هر گز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی‌سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هر گز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.

۱۳۶۷/۸/۱۰

ضرورت پرداختن علم فقه به نیازهای عملی مردم به احکام جدید، به مناسبت انقلاب اسلامی

کتابهای فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباریها و اصولیها بگذریم. از آنجا که در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بیخبر بودند و اگر با خبر هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می‌توان تصور نمود که چون فقها با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند - نعوذ باللّه - خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده‌اند؟ هر گز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحثها و مسائل است؛ مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و تقسیم‌بندی آن، در انفال و ثروتهای عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محیط زیست و سالم‌سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درختها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معضلات طبی همچون پیوند اعضای بدن انسان و غیره به انسانهای دیگر، در مسئله معادن زیرزمینی و رو زمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمه و امکانه مختلف، در مسائل حقوقی و حقوق بین‌المللی و تطبیق آن با احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی آن در جوامع فاسد و غیر اسلامی، حدود آزادی فردی و اجتماعی، برخورد با کفر و شرک و التقاط و بلوک تابع کفر و شرک، چگونگی انجام فرایض در سیر هوایی و فضایی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا در صعود مستقیم و خشتی کردن جاذبه زمین و مهمتر از همه اینها، ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقها امروز باید برای آن فکری بنمایند.

ضرورت باز بودن همیشگی باب اجتهاد در حکومت اسلامی

طرح آزادانه نظرات اجتهادی و فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر؛ اقتضای طبیعت انقلاب

کافی نبودن اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها، به دلیل نیاز نظام اسلامی به وحدت رویه و عمل در برنامه‌ریزی به نفع مسلمانان

مجتهد در مسائل اجتماعی و حکومتی نبودن افراد فاقد ینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری در زمینه اجتماعی و سیاسی

لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و **طبیعت انقلاب** و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف و لو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد

بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.

تهدید بودن اختلاف و موضع‌گیری‌های زیربنایی و اصولی برای انقلاب

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضع‌گیریها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه **انقلاب** نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسأله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و **انقلاب** وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می‌خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد.

توجه به حفظ اصول اسلام و حفظ کینه انقلابی علیه سرمایه‌داری غرب، در هنگام موضع‌گیری

پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به این همه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضع‌گیریها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیسم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند. هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب امریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که امریکای حيله‌گر دشمن شماره یک آنها است ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حيله‌گریهای این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که امریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند.

خداوندا! تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند.

برحذر بودن و به خدا پناه بردن از شرّ حبّ نفس در هنگام موضع‌گیری‌های سیاسی

البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد- که همه باید از شرّ آن به خدا پناه ببریم- که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد.

ترویج تقوا و ریاضت شرعی؛ تنها راه مبارزه با حبّ نفس

رئیس جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شورای عالی قضایی و شورای نگهبان، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، نظامی و غیر نظامی، **روحانی** و غیر روحانی، دانشجو، غیر دانشجو، زن و مرد نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم.

همراهی درس حوزه با زهد، تقوا و ریاضت و زندگی روحانیون به شیوه زاهدانه، قناعت و عدم تعلّق به تجملات دنیا

زیر بار سرمایه‌داران، پول‌پرستان و خوانین نرفتن روحانیت اصیل طرفدار اسلام

علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست **روحانیت اصیل طرفدار اسلام** ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که این گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. **روحانیت متعهد**، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سر آشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلّق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پر فتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

زنده، پایدار و محبوب ماندن روحانیت به دلیل عدم وابستگی به قدرت‌ها و احساس مسئولیت در برابر توده‌ها

پرهیز از ساده‌اندیشی در این که استعمار، روحانیت را تعقیب نکرده و نمی‌کند

به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهمتر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، **روحانیت** را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاقت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است. راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟

مراقبت نسبت به خطر روحانیون وابسته، مقدّس نما و تحجّرگرا در حوزه‌های علمیه، به عنوان مروج اسلام آمریکایی

البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدّس نما و تحجّرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست مآبی چنان تیشه به ریشه دین و **انقلاب** و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجّرگرایان و مقدّس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست.

طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعیها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟

القای شعار جدایی دین از سیاست؛ حربه استکبار برای ضربه زدن به روحانیت

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارباب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راههای نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القای شعار **جدایی دین از سیاست** است که متأسفانه این حربه در حوزه و

روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هر گز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاریرت از اغیار بوده و هست.

۱۳۶۷/۱۲/۳

تغییر فرهنگ «ارزش بودن حماقت روحانی» در معاشرت با مردم و «ضد ارزش بودن روحانی سیاسی»

وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد.

به زعم بعض افراد، **روحانیت** زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش بیارد و آلا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت متدینتر بود.

۱۳۶۷/۱۲/۳

توجه به سابقه پشتیبانی دسته‌ای از روحانیون مقدس‌مآب و دین‌فروش از براندازی نظام و کودتا

طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز «۱» با هماهنگی چپ‌ها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه «۲» سر در آوردند، باز خدا رسوایشان ساخت.

توجه به سابقه تهمت وهابی زدن دسته‌ای از روحانیون مقدس‌مآب به روحانیون مبارز و زندان و تبعید کشیده

دسته‌ای دیگر از روحانی‌نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یکمرتبه متدین شده و به **روحانیون** عزیز و شریفی که برای اسلام آن همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس‌نماهای بیشعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فدا - را مفید و راهگشا می‌دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هر گز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند!

توجه به خطر انقلابی‌تر از انقلابیون شدن روحانیون «حجتیه‌ای»، در متهم کردن مسئولین نظام

دیروز «حجتیه‌ای» ها «۱» مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز **انقلابی‌تر از انقلابیون** شده‌اند! «ولایتی» های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند! راستی اتهام امریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرام‌ها و حرام کردن حلال‌ها، اتهام کشتن زنان آستن و جلّیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدم‌های لا مذهب یا از مقدس‌نماهای

متحجر و بیشعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است. از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان کار آسانی نیست.

۱۳۶۷/۱۲/۳

حفظ اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیون انقلابی؛ اولین وظیفه شرعی و الهی

اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی **طلاب و روحانیت انقلابی** حفظ شود و گر نه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل.

ورود بی تفاوت‌ها و بی دردها به صحنه انقلاب، در صورت از بین بردن اعتبار مسئولین نظام

امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها و حتی ضعف مدیریتها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریتها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعبیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرتها که همه مشکلات و نارساییها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعفها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی تفاوتها و بی دردها به **صحنه انقلاب** آماده می‌کند.

۱۳۶۷/۱۲/۳

هشدار به طلاب برای نیافتادن به دام القائنات روحانی‌نماها و مقدس‌مآب‌ها

تجربه گرفتن از سابقه روی کار آمدن انقلابی‌نماها و فراموش نکردن تاریخ خیانت آنان

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائنات روحانی‌نماها و مقدس‌مآب‌ها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن **انقلابی‌نماها** و به ظاهر عقلای قوم که هر گز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبدا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده‌اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود.

۱۳۶۷/۱۲/۳

جلوگیری از تجزیه روحانیت انقلابی و اختلاف‌افکنی‌ها میان روحانیون

مسئله دیگر اینکه امروز مقابله و تجزیه **روحانیت انقلابی** به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آن، همه چیز را بر باد می‌دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی‌نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می‌دهد.

بازگشت اختلافات به تفاوت سلیقه‌ها و عدم وجود اختلاف بر سر اصول مدرسین و طلاب انقلابی

ان شاء الله در بین جامعه مدرسین و **طلاب انقلابی** اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند - نعوذ بالله - به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همانها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیر قانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همانها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی نمودند؟

حاکم شدن روحانی‌نماهای تقویت شده تا حد مرجعیت توسط ایادی استکبار، در صورت اختلاف مدرسین و طلاب

اگر خدای ناکرده اینها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی‌نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی‌کنند؟ و یا آنها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علما و **طلاب انقلابی** و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریانی را تضمین می‌کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است.

توجه به خطر باز شدن راه دشمن به حوزه‌ها، در صورت مرزبندی میان نیروهای مؤمن به انقلاب

وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه‌بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه‌بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناحها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناحهای مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق بزن گردد.

۱۳۶۷/۱۲/۳

از خود دانستن طلاب انقلابی توسط جامعه مدرسین و برگزاری جلسه با آنها و استقبال از طرح‌ها و نظریات ایشان

احترام گذاشتن به مدرسین طرفدار انقلاب از سوی طلاب انقلابی

جامعه مدرسین باید **طلاب عزیز انقلابی** و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرح‌ها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت طلب و نق زن ید واحد باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده‌تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می‌کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین - علیهم السلام.

۱۳۶۷/۱۲/۳

پرهیز از حرکت تند و انقلابی در حوزه‌ها و تلاش برای شناخت بهتر خطرات و کمینگاه‌های روحانیت

لازم به یادآوری است که ذکر شمه‌ای از **وقایع انقلاب** و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته **حرکت تند و انقلابی** بنمایند بلکه هدف، علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرهای و گذرها را بهتر بشناسند. اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم.

۱۳۶۷/۱۲/۳

آسیب‌پذیر بودن طلاب انقلابی و مدرسین طرفدار انقلاب، در صورت هماهنگ نبودن با هم در فعالیت‌های انقلابی

من باز می‌گویم اگر **طلاب انقلابی** و مدرسین طرفدار انقلاب هماهنگ کار نکنند، هر دو شکننده‌اند. باید تمام تلاش را نمود که به این نقطه مهم رسید. آقایان به روشنی دیدند که دشمن از نقاط ضعف چه ضربه‌ای به اسلام و روحانیت زد. مؤمن از یک سوراخ دو بار نباید گزیده شود.

۱۳۶۸/۲/۷

ضرورت یاری اساتید انقلابی حوزه توسط طلاب جوان، برای دستیابی به اهداف مهم تعلیم و تربیت

توجه شورای مدیریت و اساتید حوزه به نقش طلاب انقلابی در رساندن حوزه به اهداف آن

باید طلاب جوان اساتید محترم حوزه را که در خدمت **انقلاب** و اسلام و علوم اسلامی می‌باشند یاری کنند تا آنان بتوانند به هدفهای مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی به هیچ یک از خواسته‌های مشروع خود نخواهند رسید. **طلاب انقلابی** و مبارز، پیش‌تازان انقلاب اصیل اسلامی‌مان می‌باشند. چهره گلگون و روشن فیضیه‌های ایران در جهان اسلام مرهون زندانها و شکنجه‌های این عزیزان است.

۱۳۶۸/۲/۱۷

